مولانا جلال الدّین، عارف وارسته‏ای که آیین او عشق است و کلام او دعوت به یگانگی.عاشقی سوخته امّا آگاه به معارف الهی، که وجودش را محبّت و ستایش خدای یکتا پر کرده است.مثنوی و غزلیّات او در عین اینکه دریایی است آکنده از جوش عشق و جوشش عرفان، نقاوه و چکیده فرهنگ و معارف اسلامی و ایرانی را هم در خود جمع دارد.مولوی رندی صافی مشرب است که«از جام نمای عشق سرمست، نغمه‏ای شور انگیز در پرده توحید نواخته، عرش و فرش را فروهشته، از زمین و زمان و دنیا و عقبی در گذشته، مرغ باغ ملکوتی که قفس تن را در هم شکسته، از عالم خاک جسته و به عالم پاک پیوسته، روانشناسی که بر سینه‏های شرحه شرحه از فراق مرهم وصل نهاده و دلهای آگاه شیفتگان درد اشتیاق را به وجد آورده، دیوانه وار به گرد شمس الشموس حقیقت و نور الانوار معرفت گردیده، و موشک عرش پیمای فکرتش بیشک اوج آسمان معانی را شکافته است.» 1

از بین شاعران بزرگ ایرانی هیچ شاعری از لحاظ وسعت دامنه تاثیر در خارج از ایران، به پای مولوی نمی‏رسد، زیرا عمق اندیشه و سلطه معنوی کلام مولانا در سراسر قلمرو فرهنگ فارسی، هندی، عربی، ترکی تقریبا از زمان خود شاعر چنان تاثیری در افکار و قلوب مردم و صاحبان اندیشه گذاشته است که اثر آن نه تنها در فلسفه و عرفان بلکه در ادبیات آن سرزمینها هم کاملا احساس می‏شود.شاعران بسیاری در صدد بر آمدند که به تقلید از آثار مولانا بویژه مثنوی منظومه‏هایی خلق کنند.شارحانی اقدام به حلّ غوانض و مشکلات و تعبیرات عرفانی مثنوی کردند و شروح متعدّدی از دیدگاههای مختلف به صور گوناگون، چه شرح چند بیت یا هیجده بیت اوّل که به(نی نامه) معروفست و یا دفتری از مثنوی و یا شرح تمام برای مثنوی بنویسند که تحقیق و تالیف آن کاری جدا گانه و مفصّل است.

امّا بحث ما در این گفتار پیرامون ترجمه‏هایی است که از آثار مولوی به دنبال نفوذ فرهنگ ایرانی-اسلامی به دیگر کشورها از سده‏های پیشین آغاز شده است که این ترجمه‏ها خود موجب تجلیلهایی از مولوی و پیدایش آثار گوناگونی در ادبیّات ملتّهای دیگر شده است که این خود بحثی دیگر است.

روش تنظیم مقاله بر اساس الفبایی زبانها و حتّی الامکان به ترتیب تاریخ است که در ذیل هر زبانی ابتدا از ترجه‏های مثنوی سخن خواهیم گفت به جهت مقبولیّت این کتاب از قدیمیترین ایّام تا کنون.زیرا مرور زمان جایگاه ویژه‏ای به این اثر داده است.

گر شود بیشه قلم دریا مدید

مثنوی را نیست پایانی پدید

سپس از غزلیّات شمس در پایان به آثار دیگر و کتابهایی درباره زندگانی و افکار مولانا و تعالیم برجسته او وجود دارد به ترتیب اشاره‏ای خواهیم کرد.

آلمانی ترجمه مثنوی به آلمانی توسط ج.دو والنبورگ‏ J.de Wallenbourg (وفات 1221 ق/1806 م)در طول شش سال سکونت در استانبول انجام گرفت.متاسفانه اثر او در آتش سوزی بزرگ«پرا»در سال 14-1213 ق/1799 م.از بین رفت.

پس از والنبورگ، خاور شناس اتریشی یوزف فون هانپر پور گشتال(3 و 1272-1188 ق/1856 م)با ترجمه قطعاتی گزیده از مثنوی برای نشریه Fundgruben des Orients گنجینه‏های خاور زمین، نخستین نشریه علمی خاور شناسی به زبان آلمانی، پی گرفت.هامر پور گشتال خود از ستایشگران بزرگ مولانا بود، و در کتاب خود به نام تاریخ ادبیات ایران‏ Geschichte der sch-nen Redok-nste Persien نخستین تاریخ جامع ادبیات فارسی، به تفصیل درباره مولوی، بحث می‏کند (ص 163 ببعد).هامر، همچنین نخستین کسی بود که به اهمیّت متعالی دیوان شمس پی برد...ترجمه‏هایی که هامر، در همین کتاب، از دیوان شمس و مثنوی، هر دو، عرضه کرد، مانند ترجمه‏های قبلی او از اشعار حافظ، هیچ ارزش شاعرانه ندارد:با این حال، ترجمه‏های او نخستین تاثیر تمثیل پردازی و قدرت سوزان اشعار غنایی مولانا را نمایش می‏دهد.وی قطعه‏های معدودی از اشعار کوتاهی را که در مجالس سماء خوانده می‏شود نیز منتشر ساخت و آنها را به نام‏ Das Brevier der Derwirche [مساوی کتاب ادعیه درویش نامید. 2 ].

پور گشتال در 1851 گزارشی در شش مجلّد درباره تفسیر ترکی مثنوی جلال الدّین رومی که در سال 1251 ق(1835 م)در قاهره به چاپ رسیده است در وین منتشر کرد. 3 هامرپور گشتال خود همواره شیفته مولوی بوده است...این خاور شناس اطریشی حتّی خود به سرودن یک«مثنوی»پرداخت؛این کتاب-که هنوز منتشر نشده-حاوی هفت باب طویل است که تمامی سمبولیسم اسلام به نحوی استادانه در آن به نظم در آمده و مولوی نقش اصلی را در آن بازی می‏کند؛در این«مثنوی»، که تقلید جالبی از مولوی است جملاتی از مثنوی معنوی کلمه به کلمه آورده شده. 4

در دنیای آلمانی زبان، فون روزن تسوایگ شبانو V.von Rosenzweig Schwannau خاور شناس اتریشی از مکتب هامر، منتخباتی از اشعار مولوی را در سال 1254 ق/1838 م به نام گزیده‏هایی از دیوان جلال الدّین رومی منتشر ساخت. 5

در سال 1265 ق/1849 م.دیپلمات آلمانی، دئورگ رزن‏ Georg Rozen ، ترجه‏ای آلمانی از دفتر نخستین مثنوی را بر همگان عرضه داشت، که با جمله تند هامر پور گشتال روبرو شد.از آن جا که کتاب روزن در تعداد بسیار محدودی چاپ شد، هرگز شهرت پیدا نکرد، پسرش فرد ریش روزن، چاپ تازه‏ای از آن را با مقدّمه‏ای دانشمندانه در سال 32 و131 ق/1913 در مونیخ منتشر کرد که نسخ آن زود نایاب شد. 6

در این احوال، محقّقان سراسر جهان غرب به اشعار مولانا علاقه‏مند گشته بودند. هرمان اته در اثر خود به نام‏ Grundriss der iranichen Philologie (20 و 1319-16 و 1315 ق/1902-1898)مولوی را به صفت«بزرگترین شاعر عارف شرق و در عین حال بزرگترین شاعر وحدت وجودی سراسر گیتی»ستوده بود. 7

بررسی جامعی که هلموت ریتر در مثنوی تصحیح نیکل سن به عمل آورده کمک بزرگی به فهم ما از آن شعر است؛مقالات گرانبار همین مولّف درباره رقص درویشان مولویه...در آشنا کردن ما با جنبه فنّی آموزشهای مولوی همچند مقالات او درباره نسخ خطّ آثار مولانا و پیروان او و به درجه تجزیه و تحلیل او از نخستین هجده بیت مثنوی (51-1350 ق/1932 م)دارای اهمیت است. 8

سیمای دیگری از مولوی را، که خاورشناسان کمتر به آن پرداخته‏اند، کنستانتین برونر Constantin Brunner در نظریه خود راجع به نابغه به عنوان رهبر بشریّت، مشخّص کرد: مولوی رهبر مطلوب کسانی است که نیاز به راهنمایی روحانی دارند...

و امّا خاور شناسان، وظیفه توضیح بعضی از تعبیرات شعری و سبکی مولوی را به عهده گرفتند:مقاله شیدر H.H.Schaeder راجع به انسان کامل در افکار اسلامی (44-1343 ق/1925 م)تفسیر ژرفی از شعر عاشقانه مولوی درباره ساقی ارائه می‏دهد؛گوستا و ریختر Gustav richter نخستین توضیح را از طرز سخن مولوی در سه خطابه به صورت کتابی سود مند(51-1353 ق/1932 م)عرضه کرده که متاسّفانه دیری است نسخ آن تمام شده.نویسنده حاضر نخستین تحقیق را در صور خیال اشعار مولوی در سال 69-1368 ق/1949 م تقدیم داشت.

شاعران آلمان به پیروی از روکرت، هرگز علاقه به اشعار مولوی را از دست ندادند. محقّقی والا مقام چون یان ریپکا اقتباسات نسبتا آزاد و.فون در کورتن‏ W.vonder Porten از مولوی را با صراحت کامل بررسی و نقد کرد.ارنست برترام‏ E.Bertram بعضی از ابیات مولوی را در کتاب کوچک خود به نام امثال و حکم فارسی آورد.

در این اواخر، ژ.کریستوفر بورگل‏ J.Christofher Br-gel با انتشار گلچین ادبی خود علاقه عمیق خویش را به آثار مولانا نشان داده است؛این کتاب حاوی ترجمه منظوم شماری از غزلیّات مولوی به آلمانی، همراه شرحی بسیار پسندیده است که بعضی از مقالات فاضلانه آن به هنر شاعری مولوی اختصاص یافته درباره استفاده او از ساختارهای صوتی و جناس‏ها بحث کرده است.

یکی از«مثنوی»شناسان که سالهای متمادی با افکار مولوی سر و کار دارند خانم آن ماری شینل از مردم آلمان و استاد دانشگاههای بن آلمان و هاروارد ایالات متّحده آمریکا است که کتابی درباره مراد خود مولوی نوشته که ترجمه فارسی آن به نام شکوه شمس توسّط آقای حسن لاهوتی انجام گرفته است.خانم شیمل در این کتاب در صدد بحث در غوامض مسائل عرفانی مولانا در کتاب خود برنیامده است و تنها سیری در افکار و حالات مراد خود مولانا نموده است. 10 همچنین خانم شیمل کتابی با عنوان نوای نی که گزیده‏ای از غزلیّات مولانا است گردآوری کرده که در 1948 م به چاپ رسیده است. 11

و نیز باید از کتاب گفتار جلال الدّین رومی که انتخاب و ترجمه خانم آن ماری شیمل (چاپ 1949 م)در والدرف(هسن)است یاد کرد و بالاخره نباید از ذکر منتخباتی از دیوان اشعار مولانا جلال الدّین رومی که چاپ از متن فارسی با شرح و تفسیر خانم شیمل که در 1964 م در اشتو تگارت چاپ شده غافل ماند. 12

دیگر از کسانی که در شناساندن مولانا و آثار او، بویژه غزلیّاتش همّت کرد فریدریش روکرت‏ Friedrich Ruckert (3 و 1282-3-1202 ق/1866-1788 م) بود که کتابی به نام غزلیّات‏ Ghaselen منتشر کرد.

روکرت در این مجموعه چهل و چهار غزل مولوی را ترجمه کرده، این غزلیّات از حدّ اکثر تجانس و سازگاری با مشرب مولانا برخوردار است...روکرت، دومین مجموعه‏ غزلیّات به طرز مولوی را در سال 2-1251 ق/1836 م منتشر ساخت... 13 روکرت این ترجمه غزلیّات را از روی چند نسخه خطّی کتابخانه گوتا در سالهای 1846 تا 1852 در مجلاّت خاور شناسی آلمان منتشر کرد. 14

روکرت، بعد از آن، چند مطایبه و قطعه‏هایی از مثنوی مولوی را ترجمه کرد و بر تغییر و تبدیلهای شاعرانه خود از غزلیّات مولوی افزود با این همه، کتاب غزلیّات او بود که عامّه خوانندگان آلمانی را عمیقا تحت تاثیر قرار داد.هگل از طریق این اشعار با «رومی برتر»آشنا شد. 15

اردو شهرت مولانا جلال الدّین و مثنوی در شبه قارّه سابقه‏ای دیرین دارد.کثرت شهرها و تالیفات بر این کتاب عظیم حکایت از رواج این اثر در بین مردم بوده است.بنابر این که استفاده عامتری از مطالعه مثنوی حاصل آید عدّه‏ای از اردو زبانان آگاه و عالم به مسائل عرفان و آثار عرفانی در صدد ترجمه مثنوی به زبان اردو بر آمدند بدین شرح:

قصیده معجزه، ترجمه منظوم قسمتی از دفتر اول، در بیان معجزه پیامبر(ص)در سخن آوردن سنگریزه‏ها در دست ابو جهل، به سال 1102[؟]سروده است.

ترجمه مثنوی از عبد اللّه دهلوی، ظاهرا به نظم(1182 ق)در 1883 م.عباد اللّه اختر ترجمه مثنوی مولانای روی را به انجام رسانده است.

ترجمه منتخبی از مثنوی به نام باغ ارم توسط منشی مستعان علی معروف به شاه مستعان به سال 1244 ق به نظم اردو برگردانده شد که در 1269 ق در مطبع کریمی بمبئی به چاپ رسید.مجمع فیض العلوم(تالیف 1289 ق)از مولانا ابو الحسن (عبد الحسن)ابن مفتی الهی بخش کاند هلوی(م 1245 ق)که ترجمه دفتر اوّل مثنوی است که بعد از مرگ پدر تالیف و تدوین کرده و گویا در 1319 ق در کانپور چاپ شده است.

شجره معرفت، ترجمه منظوم منتخبی از مثنوی معنوی، از غلام حیدر گوپا موی متخلّص به«حیدر»است که به سال 1298 ق.سروده شده:

بفضل خدای جهان آفرین

شد این ترجمه ختم با لعافیت

پی نام تاریخی آن شدم

بگفتا خرد، شجره معرفت

(1298 ق)

چاپ هفتم این کتاب مولانا روم ترجمه پیر غلام دستگیر نامی در 1299-1300 ق/ 1960 م در نولکها بازار لاهور چاپ شده است.

بوستان معرفت از عبد المجید خان فرزند عبد الرحیم خان که به سال 1309 ق کار ترجمه را آغاز نموده و به سال 1310 ق به اتمام رسانده و در مطبع نولکشور لکهنو بین سالهای 1326 ق تا 1332 ق)به طبع رسیده است.در شرح مثنوی معنوی، نگاشته شاه داعی شیرازی، جلد یکم(ص 44)سال تالیف بوستان معرفت، 1317 ق تالیف عبد المجید خان پیلی بهیتی(چاپ 1894-1895 م)ذکر شده و در صفحه 50 شرح مثنوی شاه داعی از ترجمه دیگری از مثنوی به همان نام بوستان معرفت از مولوی محمّد یاد شده است.

ترجمه مثنوی از سیّد مظاهر حسن الامر دهوی(سده 14 ق)مدرّس در تاج المدارس در امروهه(هند)و کتاب مرقوم از عبد الرحمن راسخ دهلوی(چاپ 1894-1895 م)ذکر شده و در صفحه 50 شرح مثنوی شاه داعی از ترجمه دیگری از مثنوی به همان نام بوستان معرفت از مولوی محمّد یاد شده است.

ترجمه مثنوی از سیّد مظاهر حسن الامر دهوی(سده 14 ق)مدرّس در تاج المدارس در امروهه(هند)و کتاب مرقوم از عبد الرحمن راسخ دهلوی(چاپ 1315 ق)را نیز می‏توان از زمره ترجمه و شرح مثنوی دانست.

عقد گوهر موسوم به«موتیون کاهار»ترجمه منظوم یکصد حکایت مثنوی معنوی در بحر مثنوی، از پیر زاده محمّد حسین عارف مهمّی(م 1346 ه)می‏باشد که در مطبع رفاه عام در لاهور در 1318 ق و دیگر بار در مطبع مجتبایی دهلی به سال 1323 ق چاپ شده است.

ترجمه دیگری از مثنوی به اردو به وسیله مفتی الهی بخش کاند هلوی صورت گرفته و در سال 1319 ق منتشر شده است.

کشف العلوم، ترجمه و شرح مثنوی است که در 1320 ه در مراد آباد چاپ شده‏ است.ناله مضطر(موسوم به تحفه مظّفر)ترجمه منظوم یک قسمت از مثنوی است از مظّفر بنی که در سال 1323 ق در مطبع رضوی دهلی طبع شده است.

شرح حقیقی، ترجمه مثنوی معنوی از عبد اللّه خان عسکری است که در 1339 ق چاپ شده است.مفتاح العلوم، ترجمه و گزارش مبسوط از محمّد نذیر عرشی نقشبندی مجدّدی، به سال 1344 ق به اتمام رسیده است، شارح در شرح خود، حلّ لغات و چگونگی ترکیب نحوی و صنایع لفظی و عروضی و نکات عرفانی و مسایل فقهی مربوط را آورده، ترجمه به نثر روان و سلیس است.چاپ ششم آن در 1379 ق.در لاهور منتشر شده است.همچنین ترجمه دیگری از مثنوی به اردو از آغابیدار بخت وجود دارد.

الهام منظوم، ترجمه شش دفتر به نظم، از عاشق حسین سیماب صدیقی اکبر آبادی(م 1370 ق)، در 1347 ق به پایان رسیده:

فی الحقیقت مثنوی کا ترجمه

ترجمه هی وحی او را لهام کا

این ترجمه با تجدید نظر مولوی فیروز الدّین در مطبع فیروز لاهور در 1347 تا 1350 ق.چاپ شده است.

کلید مثنوی، از اشرف علی تهانوی(م 1362 ق)، ترجمه و شرح ابیات مهّم از مثنوی به اردو است که در دیو بند در مطبع اشرف العلوم به سال 1360 ق طبع گردیده است.

پیراهن یوسفی، از محمّد یوسف علی شاه چشتی نظامی فرزند محمّد جلال الدّین خان ملقّب به بانکی میان، که در سال 1362 ق/1943 م چاپ سنگی شده از تازه‏ترین و موفّق‏ترین ترجمه اردوی مثنوی است.نام«پیراهن یوسف»(علاوه بر اشاره به نام مصنّف)خیال چگونگی شفا بخشی پیراهن یوسف را، که جزیی از او بود و پدر نابینایش را بینایی بخشید، مجسّم می‏سازد:مگر مثنوی چشمان خوانندگان را روشنایی نمی‏بخشد، و وجود آنان را از بینش روحانی سرشار نمی‏سازد؟

این اثرر که ترجمه منظوم است به سال 1293 ق‏[؟]نگاشته شده و در مطبع نولکشور کانپور به سال 1315 ق برای بار چهارم طبع شده است.

حکایات رومی، ترجمه اردو و حکایات مثنوی از میرزا نظام شام لبیب است که در انجمن ترقّی اردو، در دهلی به سال 1945 م/64-1365 ق.چاپ شده است.

مشرح و منظوم، ترجمه مثنوی مولانا به نظم اردو و شرح منثور قسمتی از دفتر اوّل، از عبد اللّه عسکری، ترتیب اینگونه است:متن مثنوی، ترجمه به نثر، حلّ نکات و شرح، ترجمه به نظم.این اثر در چاپخانه حمایت اسلام در لاهور به سال 1368 ق چاپ شده است.

بحر العلوم، ترجمه و گزارش دفتر پنجم مثنوی معنوی به اردو است که اسلم رازی آنرا ترجمه کرده است.این ترجمه در لاهور توسّط اوریئنتل بک سوسایتی بین سالهای 1374 ق تا 1375 ق منتشر شده است.

نائیه، شرح دو بیت آغاز مثنوی از شیخ یعقوب چرخی(م.851 ق)است که به انضمام رساله نائیه جامی، با مقدّمه و تحشیه و تعلیق خلیل اللّه خلیلی به سال 1377 ق در کابل چاپ شده است.ترجمه اردوی آن از محمّد نذیر رانجها است که نسخه خطّی آن در کتابخانه مترجم در راولپندی موجود است.

گلدسته مثنوی، از مفتی جلال الدّین احمد امجدی، ترجمه منتخبی از مثنوی است که به سال 1378 ق مرتّب و ترجمه شده و در مکتبه اشرفیه در مریدکی چاپ شده است و فاقد سال چاپ است.خلاصه مثنوی، ترجمه از برکت علی، معلّم دبیرستان مسلم لاهور، حلّ لغات است و گزارشی برای دانشجویان.چاپ اثر با تجدید نظر سید محمّد خلیل الرحمن نگینوی به سال 1380 ق در لاهور انجام گرفته است.

حکایات رومی، از طالب هاشمی، ترجمه حکایتهای اخلاقی مثنوی است که در مطبع شعاع ادب در لاهور به سال 1967 م/86-1387 ق چاپ شده است.همچنین حکایات رومی با ترجمه مقبول جهانگیر که گزیده حکایات مثنوی است که در لاهور چاپ شده است.همینطور دانش رومی و سعدی که ترجمه حکایتهای مثنوی و سعدی است توسّط غلام جیلانی برق ترجمه و در 1968 م/87-1388 ق چاپ شده است. ترجمه و حاشیه مثنوی، از قاضی سجّاد حسین که در 1394 ق تالیف شده است.این‏ اثر متن مثنوی همراه با حواشی ممتّعی از مترجم به اردو است و بارها در هند و پاکستان چاپ شده است از جمله در دهلی به سال 1396 ق/1976 م.و بار دیگر توسّط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به سال 1398 ق/1978 م.

ترجمه اردویی مثنوی معنوی، از حسن، به خواهش مولانا الهی بخش، و پیشکش شده به خان امداد علی خان.این ترجمه در لاهور با خط نستعلیق خوش در 444 صفحه با هامش متن فارسی به تاریخ 18 اکتبر 1841 م/ق؟رقم خورده است.

ترجمه دفتر پنجم مثنوی از عارف خان برنی و ترجمه دیگری از عبد الحمید خان حمید ملیح آبادی به اردو وجود دارد که چاپ نشده‏[رک:لاله سری رام-خم خانه جاوید، جلد دوم، ص 509].

ریاض العلوم، از شفیقی عهد پوری که ترجمه منثور دفتر اوّل است که در مطبع تاج بک دپو در لاهور چاپ شده است.

دیگر از ترجمه‏های شرح گونه اردوی مثنوی می‏توان از کشف المفهوم نور الحقّ و کنز مکتوم شاه غلام غوث معروف به غوثی شاه اکبر آبادی و رموز معرفت که چاپ هم شده و شرح 1700 بیت مثنوی از خورشید انور جیلانی(چاپ شده)و شرح منتخب مثنوی چاپ شده میرولی اللّه ایبت آبادی نام برد.

دیگر از آثار مولوی که به اردو ترجمه شده اثریست به نام معارف شمس تبریز، از حکیم محمّد اختر خلیفه شاه ابرار الحق، که ترجمه و شرح هفتصد و هشتاد بیت از دیوان شمس است به اردو که به سال 1395 ق تکمیل شده و در کتب خانه مظهریه کراچی چاپ شده است.

همچنین عبد الرشید تبّسم فیه ما فیه اثر منثور مولوی را در همین سده حاضر به اردو ترجمه کرد.پیش از او عبد الحمید دریا بادی برای نخستین بار در سال 41-1340 ق/1922 م.وظیفه تصحیح آن را متحمّل گردیده بود.او برای انجام اینکار از اقبال لاهوری الهام گرفت و بالاخره کتاب احادیث مثنوی استاد فروزانفر توسّط دکتر سید عبد اللطیف به اردو ترجمه و در مطبع پیکیجز لمتید در لاهور چاپ شد.این ترجمه‏ فاقد سال چاپ است. 16

انگلیسی کتاب مثنوی مولانا برای نخستین بار به سال 1877(1294 ق)توسّط پالمر Palmer در ادبیّات انگلیسی شناسانده شد و سپس در سال 1881 م(1299 ق)جمز رد هاوس ( James W.Redhouse )دفتر اوّل مثنوی را به نظم انگلیسی درآورد.این ترجمه در سال 1881 م.لندن انتشار یافت.قالب شعری این اثر در قالب‏ Rhymed Couplet است که معادل بحر مثنوی در عروض فارسی است.در ابتدای کتاب، مترجم قطعات برگزیده‏ای از کتاب مناقب العارفین تالیف شمس الدّین احمد افلاکی(مولّف در 718 ه.ق)اقتباس و ترجمه کرده...این بخش رویهم در یکصد و سی و پنج صفحه می‏باشد و ترجمه دفتر اوّل مثنوی دویست و نود صفحه است و مقدار نه صفحه نیز شخص مترجم(ردهاوس)مقدّمه‏ای بر آنها نگاشته که رویهمرفته مثنوی وی به چهار صد و سی و چهار صفحه بالغ گشته است.ضمنا گاهگاهی توضیحات مختصری هم در حواشی صفحات آورده شده است.

نیکلسن با این ترجمه نظر موافق نداشته و ضمن دادن توضیحات انتقادی می‏گوید: ترجمه دفتر اوّل مثنوی توسّط جمز ردهاوس، در صحّت و درستی بعد از ترجمه «گئورگ رزن»مترجم آلمانی قرار دارد... 17

دوّمین ترجمه مثنوی به انگلیسی، تلخیص و ترجمه«وینفیلد»( E.H.Whinfiold ) می‏باشد که او مثنوی شش دفتری را به نظم و نثر انگلیسی خلاصه کرده است.«وینفیلد» معتقد است که متن مثنوی، ساده و بی‏پیرایه است و به وسیله تصنّعات و«کلام بازی»که در آثار جامی و شعرای بعد از او دیده می‏شود، بد شکل نشده است؛معهذا فهم این کتاب در همه موارد آسان نیست.مثنوی وینفیلد بار اوّل در سال 1887 م.و چاپ دوّم آن در سال 1898 م.در لندن منتشر شد.در این ترجمه نیز ذیل بعضی از صفحات، تفسیرهایی آورده شده است.تعداد صفحات متن این ترجمه سیصد و سی می‏باشد...مقدّمه چاپ دوم مثنوی وینفیلد درسی صفحه است که سیزده صفحه آن تحت عنوان «تصوّف»است که سیر تصوّف را نشان می‏دهد...سپس مطلبی در دوازده صفحه تحت عنوان«نظر کّلی بر مثنوی»است.در اینجا«وینفیلد»مطالبی در مورد کتاب مثنوی نوشته که حاکی از مطالعه عمیق او در موضوعات دینی، عرفانی، فلسفی و ادبی جهان است...

مراجع مهمّ«وینفیلد»برای ترجمه مثنوی علاوه بر ترجمه گئورگ رزن(لایپزیک، 1849 م)و ترجمه ردهاوس(لندن، 1881 م)عبارت است از:

1)مثنوی، چاپ لکهنو، 1282 ق.(که متداول‏ترین مثنوی مولوی در هندوستان است).

2)مثنوی مولوی، چاپ بولاق سال 1268 ق.که ترجمه«وینفلید»از روی آن انجام یافته.

3)تفسیر مثنوی به زبان فارسی تالیف عبد العلی محمّد، چاپ لکهنو، سال 1293 ق. 4)تفسیر ارزشمندی بر مثنوی به زبان ترکی توسّط شیخ اسمعیل انقره‏ای، چاپ استانبول، سال 1872 م...

نیکلسون در مورد«وینفلید»و ترجمه او معتقد است که:«وی اوّلین کسی است که مطالب مثنوی را تجزیه و تحلیل کرده و مفهوم عالی آنرا با ترجمه منثور و منظوم از منتخبات شش دفتر مثنوی که روی هم در حدود سه هزار و پانصد سطر است، شرح و بیان داشته است... 18

اثر دیگری از«وینفلید»تحت عنوان تعالیم مولوی با ترجمه اسماعیل دولتشاهی توسّط نشر آوا در سال 1363 ش در تهران انتشار یافته است.

سوّمین ترجمه از کتاب مورد نظر، ترجمه«ویلسن»( C.E.Wilson )استاد زبان فارسی در دانشگاه لندن انجام پذیرفته است.این کتاب ترجمه دفتر دوّم مثنوی مولوی است و در واقع دنباله ترجمه ردهاوس از دفتر اوّل مثنوی است.ویلسن دفتر دوّم مثنوی را به نثر انگلیسی در یک جلد سیصد و سی صفحه‏ای به ضمیمه ده صفحه مقدّمه و فهرست، برگردانده است.وی در مقدّمه خود اشاره به ترجمه منظوم ردهاوس کرده و می‏گوید که‏ چه خوب بود آن اثر به نثر ادبی ساده ترجمه می‏شد...

ویلسن تفسیرهای مهمّی که برای مثنوی به دست آورده عبارتند از: 1)تفسیر ترکی شیخ اسمعیل انقروی، در 6 جلد، چاپ قسطنطنیّه، سال 1862 م. 2)تفسیر فارسی بحر العلوم. 3)تفسیر اردو از مولوی عبد المجید، سال چاپ 1891 م.و چند تفسیر مختلف عربی.

نیکلسون ضمن بحث در مورد ترجمه مثنوی ویلسن می‏گوید:این«یک ترجمه منثور تحت اللّفظی ساده»است که مبتنی بر اصول صحیح و اجرای دقیق می‏باشد...دو جلد کتاب ویلسن، یکی ترجمه منثور دفتر دوّم مثنوی و دیگر تفسیر و شرح آن، در سال 1910 م.در لندن انتشار یافت. 19

چهارمین ترجمه اروپایی از مثنوی مولوی توسّط گئورگ رزن به زبان آلمانی انجام گرفت که در بخش آلمانی به آن اشاره شد.این چهار ترجمه(ردهاوس، وینفیلد، پالمر، رزن)از منابع کار نیکلسون بوده است.

غیر از این ترجمه‏هایی کوتاه و اتّفاقی هم از مثنوی به انگلیسی و سایر زبانهای اروپایی پیش از نیکلسون شاید به عمل آمده باشد، نظیر کتاب نغمه نی شامل ترجمه‏های مختصری از مثنوی، شاهنامه، غزلّیات حافظ و غیره به شعر انگلیسی توسّط مستشرق و زباندانان نام آور مقتول«ادوارد پالمر». 20

آشنایی نیکلسن با ادوارد براون در 1891 م.موجب شد که تحقیقات ارزنده‏ای در زمینه مولوی شناسی به عالم شعر و عرفان عرضه شود.زیرا تا سخن از مولانا و مثنوی به میان می‏آید بلافاصله نام«نیکلسون»هم تداعی می‏شود.

اهتمامی که نیکلسون درباره مثنوی به کار بسته مشتمل بر سه بخش مهّم است: اوّل)تصحیح متن مثنوی و شماره گذاری ابیات و طبع و نشر آن. دوّم)ترجمه متن مثنوی معنوی، از فارسی به زبان انگلیسی(در سه مجلّد) سوّم تفسیر مثنوی به زبان انگلیسی. 21

تصحیح متن فارسی و ترجمه کامل و تفسیر مثنوی به انگلیسی، در هشت جلد، از انتشارات اوقاف گیب، از سال 1925 تا 1940 م.در لیدن چاپ شده(این کتاب تا کنون چهار بار تجدید چاپ شده است.)

رومی:شاعر و عارف، اثر دیگری از نیکلسون است که ترجمه یکصد و دوازده قطعه از مثنوی و پنج غزل از دیوان شمس و دو قطعه از فیه ما فیه با شرح و حواشی آنها به انضمام شرح احوال مولانا در 1950 م.برای بار اوّل چاپ شده است.ترجمه خوبی از این کتاب توسّط اوانس اوانسیان تحت عنوان مقدّمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی برای بار اوّل توسّط دانشگاه تهران و بار دوّم با اضافات و تجدید نظر توسّط نش نی در سال 1366 ق در تهران چاپ شده است.

همچنین سه قطعه ترجمه از مثنوی جلال الدّین رومی در مجلّه فرهنگ اسلامی در حیدر آباد(جلد اوّل، سال 1927 م.)در چهار صفحه از نیکلسون منتشر شده است و نیز داستانهای عرفانی، که ترجمه پنجاه و یک قطعه مختلف از مثنوی مولانا با یک مقدّمه می‏باشد به سال 1931 م.در لندن چاپ شده است. 22

ترجمه دیگری از مثنوی به زبان انگلیسی در لندن توسط دانشگاه کمبریج بین سالهای 1926 تا 1940 در 5 جلد و ترجمه دیگری به تصحیح محمّد امین توسّط انتشارات مدینه در لاهور به سال 1946 م.چاپ شده است. 23

جانشین خلف نیکلسون، آربری نیز اشعار مولوی را در کتابهای متعدّد چاپ و در دسترس همگان قرار داد. 24

از ترجمه‏های مثنوی به زبان انگلیسی که بگذریم به اشعار دیوان شمس تبریزی می‏رسیم:

برگزیده اشعار دیوان شمس تبریزی:متضمّن 48 غزل تواما با ترجمه انگلیسی به انضمام یادداشتهای سودمند مربوطه، دو بار طبع شده است.چاپ اوّل، 1898 م و چاپ دوم، 1952 م.در کمبریج. 25

نیکلسون در پی آشنایی با براون که بدان اشاره شد دوره زندگی محققّانه خود را با منتخباتی از دیوان شمس تبریزی آغاز کرد که در سال 16-1315 ق/1898 م.منتشر شد.این کتاب هنوز هم یکی از سودمندترین و در عین حال دلپسندترین مدخلها برای آشنایی با خصوصیات شاعری مولوی است و یکی از بهترین کتابها درباره شعر عرفانی اسلامی خواهد بود، هر چند که بعضی از آراء نیکلسون کهنه شده باشد.این مولّف دانشمند، با وجود آثار محققّانه‏اش درباره دیگر عارفان و شاعران عرب و پارسی، هرگز از مولوی رومی برنگردانید و از او دور نشد... 26 این کتاب که رساله دانشجویی نیکلسون است با عنوان قحط خورشید، به اهتمام مجید روشنگر در تهران توسّط انتشارات مروارید در سال 1358 ش چاپ شد.

همچنین مرحوم نیکلسون، مقاله‏ای در دایرة المعارف اسلامی با عنوان«شمس تبریزی»در جلد چهارم(صفحات 744 تا 745)به سال 1934 م.نوشته است. 27

بیست و چهار غزل از دیوان شمس، به انگلیسی منظوم و مصوّر با ترجمه گاربت ttrbraG برای بار دوّم با مشخصّات زیر در 1956 م.چاپ شده است. 28

Garbett,Sir Colin.-Sun of Tabriz.R.Beerman Publishars,Cahe Town,6591

آربری اثر منثور مولانا، فیه ما فیه را تحت عنوان محاضرات و مذاکرات ( Discourses of Rumi )ترجمه کرده که سودمندترین مکمّل آثار منظوم اوست.این اثر در 1961 م در لندن چاپ شده. 29

همچنین ترجمه رباعیّات مولانا توسّط«آربری»به شعر انگلیسی به سال 1949 م در لندن منتشر شد. 30

«مولانا جلال الدّین محمّد بلخی مشهور به مولوی»ذیل Jalal al Din Rumi مقاله‏ای است از نیکلسون که در دایرة المعارف اخلاق و ادیان در دو ستون(جلد هفتم، صص 474-475)به سال 1914 م.چاپ شده است. 31

همینطور«سخنان مولانا جلال الدّین رومی»، شامل بحث کلّی در کتاب فیه ما فیه مولانا با ترجمه چند قطعه از آن کتاب، هشت صفحه، ضمیمه یکصدمین سالگرد مجّله انجمن آسیایی همایونی بریتانیا، در اکتبر سال 1924 م.منتشر شده است. 32

«مثنوی جلال الدّین رومی:قرآن ایران و مولّف آن»از نیکلسون، مقاله‏ای است در چهارده صفحه که در مجلّه سرچ( The Search )، شماره اوّل، جلد اوّل، در سال 1931 م.در لندن چاپ شده است. 33 همچنین اشعاری از مولانا در کتاب شاهزاده و درویش نیکلسون که شامل چهل و هفت اشعار سبک و تفنّنی از نیکلسون و پنج قطعه ترجمه از اشعار حافظ، عطاّر، سعدی، مولانا و ابن الفارض به شعر انگلیسی است و در 1911 م در لندن چاپ شده، آمده است. 34

قصّه‏هایی چند از مثنوی توسطّ آربری به انگلیسی ترجمه که یک بار در 1961 م و بار دوم در 1963 م در لندن چاپ شد.همینطور مقاله‏ای تحت عنوان«جلال الدّین رومی»در 1962 م در 16 صفحه از آربری منتشر شده است.اشعار عرفانی رومی Mystical Poems of Rumi اثر دیگر آربری نیز توسطّ دانشگاه شیکاگو به سال 1968 م چاپ شد.این اثر برای بار دوّم در 1979 م جزو مجموعه میراث ایران منتشر گردید. 35

یکی دیگر از خاورشناسانی که درباره مثنوی و مولوی کار کرده ادوارد رهاتسک. E Rehatsek است که بین سالهای 1874 تا 1875 م داستانهایی را از مثنوی مولوی به انگلیسی ترجمه کرد.همچنین مقاله‏ای درباره زندگانی مولوی نوشته است.

بحث پیرامون ترجمه‏های انگلیسی آثار مولانا را به همین مقدار بسنده می‏کنیم و به سایر بخشها می‏پردازیم. 36

ایتالیایی در ایتالیا، الساندرو بوزانی‏ Alessandro Bausani است که جنبه‏های مختلف اشعار مولانا را بررسی کرده؛او، آنچنانکه در بعضی از مقالات تفکّر برانگیزش اثبات کرده، در اصل به مضامین دینی-فلسفی علاقه‏مند است. 37

بنگالی ترجمه‏ای منظوم از دفتر اوّل مثنوی، در سال 6-1305 ق/1888 م، به قلم قاضی اکرم‏ حسین نامی پرداخته شد که در سال 1364 ق/1945 م.در کلکته به چاپ رسید. 38

پشتو ترجمه منتخب مثنوی(تالیف 1399 ه)از عبد الاکبر خان اکبر عمرزیی که در مطبع حمیدیه در پیشاور چاپ شده است. 39

اسرار العلوم(ترجمه منظوم دفتر اوّل و دوم)از مولانا عبد الجبّار بنگش قاضی کرم پاراچنار ساکن هنگو، اهل کهت‏ Kohat که در 1343 ه.کتابت شده، نسخه خطّی آن در پشتو اکادمی در پیشاور، به خطّ شارح موجود است. 40

پنجابی ترجمه مثنوی منظوم به زبان پنجابی از سید امام علی شاه، در 1163 ق/1750 م‏[؟]در 979 صفحه به خط نستعلیق، نسخه خطّی آن در کتابخانه سید محمّد حسین شاه نجاری به خطّ مولّف موجود است‏[قسمتی از ترجمه منظوم به نام«تفسیر پنجابی منظوم یعنی مثنوی»به چاپ رسیده است‏]. 41 .

ترجمه دیگری از مثنوی مولانای روم به زبان پنجابی از چوهدری محمّد افضل خان، وجود دارد که فقط ترجمه دفتر اوّل است، به نثر روان و ساده که در لاهور توسطّ مولا بخش کشته و پسران چاپ شده است. 42

تفسیر مثنوی از پیر امام شاه‏[تالیف 1329 ق‏]نیز از ترجمه‏های پنجابی مثنوی به شمار آورده‏اند. 43 .و نیز ترجمه منظوم مثنوی به زبان پنجابی از مولوی شاه محمّد دین قادری سیالکوتی که به سال 1357 ق سروده شد در خور ذکر است. 44 این اثر در سال 1358 ق/1939 م.در لاهور چاپ شده است. 45 ترجمه دیگری از مثنوی به زبان پنجابی وجود دارد که چاپ شده و لیکن مترجم آن ناشناخته است. 46

ترکی از آنجا که مردمان عادی ترک با زبان پارسی کمی دارند یا مطلقا پارسی نمی‏دانند، شماری از دانشمندان مولوی شناس وظیفه شرح نوشتن به مثنوی یا ترجمه آن را به زبان ترکی بر خود لازم دانستند.

نخستین ترجمه مثنوی به زبان ترکی که به سلطان مراد دوّم(وفات 855 ق/1451 م)اهدا شده اخیرا دکتر حسیب مزیو اوغلو، در آنکارا، کشف کرده است. 47

پس از آن دیگر مولوی شناسان اقدام به شرح و ترجمه و تحقیق درباره مولانا کردند که از این افراد تعدادی شهرت بیشتری دارند از جمله:

محمود ثاقب دده، مثنوی خوان معروف در سال 1590 م به ترجمه‏ای از مثنوی به ترکی دست زده است. 48

دده عمر روشنی افندی از شعرای قرن 11 طریقت خلوتیّه ترجمه آزادی از داستان موسی و چوپان مندرج در مثنوی تحت عنوان چوپان نامه به زبان ترکی در آورد. 49

نحیفی(متوفّی به سال 1738 م)تمام مثنوی را به نظم ترکی(؟)در آورده است. 50

ترجمه منظوم مثنوی از سعید چلبی(1806-1859 م)به ترکی نیز از دیگر ترجمه‏های این کتاب عظیم است.

در دوران تنظیمات عونی بیگ ینی شهری(1826-1883 م)، شیخ مولویخانه بشیکتاش و داماد شاعر، نافذ دده(متوفّی به سال 1861 م)از نمایندگان معتبر شعر دیوانی گویا«نی نامه»را به نظم ترجمه کرده است ولی اثر در دست نیست. 51

ترجمان و شرح مثنوی شریف، تالیف عابدین پاشا، حاکم انقره(متولّد 1259 ق) است.این تفسیر در شش مجلّد در مطبع سعادت قسطنطنیه به سال 1305 ق/8-1887 م.چاپ شده است. 52

ترجمه اتابکیه اقدسیه، از تقی منشی ساو جبلاغی(سده 13-14 ق)ترجمه گزارشی است از مثنوی معنوی به ترکی که مترجم آن را به نام امین السلطان وزیر اقدس اعظم ساخته، و در 20 شعبان 1306 ق به انجام رسانده است(به نقل از نسخه خطّی فارسی، منزوی، ج 5، ص 3444). 53

در روزگار ما، بسیاری از دانشمندان ترک در زمینه اندیشه‏های مولانا تحقیق می‏کنند؛عبد الباقی گولپینارلی، دانشمند ترک پر ارزشترین بررسیها را در زمینه گرد آوری اطلاّعات مربوط به شرح زندگی مولوی و تاریخ سلسله مولویه انجام داده است.وی اشعار غنایی دیوان شمس را به زبان ترکی امروزینه برگردانده، و ترجمه ولیدایز بودق از مثنوی را تصحیح و منتشر کرده است. 54 دو کتاب او، به نامهای مولانا جلال الدّین و مولویه بعد از مولانا به ترتیب در سالهای 1364 ش و 1366 ش از طرف موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و انتشارات کیهان، با ترجمه دکتر توفیق سبحانی منتشر شده است.

ترجمه مثنوی عبد الباقی گولپینارلی در 6 جلد از انتشارات وزارت معارف استانبول است که در مجموعه آثار کلاسیک شرق اسلام، شماره 1 بین سالهای 1941 تا 1946 چاپ شده است. 55

دیگر می‏توان از ترجمه و شرح مثنوی شریف، چاپ کتابخانه عرفان استانبول(1324 ه./1906 م.)و ترجمه و شرح مثنوی، چاپ محمود بک مطبعه سی، کتبخانه جهان استانبول(1324-1326 ق)و شرح و ترجمه مثنوی مولوی که ترجمه آن از ولید ایزبودق و شرح و مقایسه از عبد الباقی گولپینارلی(14 ق)چاپ وزارت معارف ترکیه در استانبول(1942 م/1361 ق و 1943 م و 1946 م و 1956 م و 1957 و 1962 م)می‏باشد نام برد.ترجمه مثنوی ولید ایزبودق بین سالهای 1961 تا 1966 م.در استانبول چاپ شده است.دیگر مثنوی در سلری از اولغن طاهر است که در اشیل مطبعسی استانبول در 1949-1950 م./68-1369 ق.چاپ شده و نیز ترجمه و شرح مثنوی اولغن طاهر در قونیه در چاپخانه سلام پاینلری در 1963 م منتشر شده است. 56

نسخه بولاق که اساس کار نیکلسون در تصحیح متن فارسی مثنوی است متضّمن دفتر ساختگی و مجعول هفتمی است که یک فقره ترجمه منظوم ترکی از دفتر فوق دارد که پرفسور ویلسن آن را سخت پسندیده است. 57

ترجمه‏های متعدّد ترکی دیگر از آثار مولوی توسطّ سودی، سلیمان نحیفی، فرضی، شاکر محمّد افندی، ابراهیم نجمی، قبلا در استانبول و بولاق انتشار یافته بود. 58

ترجمه دیوان کبیر، از گولپینارلی، با تعلیقات و حواشی، توسطّ کتابخانه رمزی استانبول در 58-1957 در چهار جلد چاپ شده است. 59 همچنین منتخبی از رباعیّات مولانا، از گولپینارلی، جزو مجموعه آثار کلاسیک شرق اسلام، شماره 2، از سوی انتشارات وزارت معارف استانبول در 1945 م منتشر شده است. 60 همینطور ترجمه رباعیات مولانا به ترکی توسط قره تای در 1936 م در استانبول چاپ شده 61 و اثر دیگر در این مورد، ترجمه رباعیات و غزلیّات مولانا جلال الدّین به ترکی است که نوری گنج عثمان‏ Nuri Gencosman 62 انجام داده است.

ترجمه فیه ما فیه هم توسطّ ملیحه انبارجی اوغلو به ترکی صورت گرفته 63 و مجالس سبعه مولانا، به تصحیح احمد رمزی آق یورک و ولد چلبی ایز بوداق، به اهتمام فریدون نافذ بیک، با ترجمه ترکی در 1937 م صورت گرفته که آنرا توفیق سبحانی به فارسی ترجمه و چاپ کرده است.

کتاب دیگری به ترکی به نام آداب و ارکان طریقت مولوی از گولپینارلی توسطّ کتابخانه انقلاب و آکا، در استانبول به سال 1963 م چاپ شده است. 64 همچنین رساله شرح احوال مولانا، تالیف استاد فروزانفر توسطّ فریدون نافذ اوزلوق به زبان ترکی ترجمه شده است. 65

چکی نخستین ترجمه بعضی غزلیّات مولوی به زبان چک در اوایل سال 13-1312 ق/1895 م منتشر شد.نخستین ترجمه اثر P.Hajek و دکتر Jan Aksamit ، 1902 م منتشر شد.

بعضی از رباعیات مولوی را ورا کوبیچکووا Vera Kubickova ترجمه کرده است. I.Kupec در Perly a ruze بر اتیسلاوا، در 1962 م غزلی را با اقتباس آزاد به زبان اسلاو ترجمه کرده است. Rudolf Dvorak در سال 1904 م نخستین مقاله را درباره مولوی تالیف کرد. 66

روسی ترجمه مثنوی به زبان روسی توسطّ Marinovich در 1917 م در سن پترزبورگ انجام گرفت 67 .خلاقّیت و آثار جلال الدّین رومی هم در دوران حکومت شوروی نسبتا مورد مطالعه واقع شده است.تمثیلهای او که آ.استاریکوف ترجمه کرده است در مجموعه«خاور»(ب، 1925 م)و به شکل کتابهای جداگانه با مقدّمه ل.کلیموویچ در دوشنبه(1949 م)و با مقدّمه ن.عثمانوف در مسکو(1957 م)انتشار یافته است. 68

ترجمه رباعیات مولانا به روسی، توسطّ بوگدانف‏ Bogdanov در 1935 م در مسکو چاپ شده است. 69

در 1957 م اثری با عنوان جلال الدّین رومی، ترجمه و.در ژاوین با مقدّمه ن. عثمانف، در نشریه مرکز انتشارات دولتی آثار ادبی در مسکو چاپ شد، همچنین در 1963 اشعار جلال الدّین رومی، ترجمه و.در ژواین، با مقدّمه آ.برتلس در مسکو چاپ شد.

در 1965 م کتاب اندیشه‏های فلسفی مولانا جلال الدّین رومی، تالیف ن.ف.عادل اف.که رساله دکترا در رشته فلسفه بود در مسکو انتشار یافت. 70

شرح حال پسندیده مولوی به قلم رادیج فیش‏ Radij Fish به زبان روسی که در سال 1392 ق/1972 م.در مسکو انتشار یافت قابل ذکر است. 71

سندی در زبان سندی هم ترجمه‏های منظوم و منثور از منثوی مولوی انجام گرفته است که به آنها اشاره می‏شود.ترجمه ناتمامی از مثنوی توسطّ غلام محمّد شاهوانی در حیدر آباد

سند، به سال 1956-1957 م/76-1377 ق.انجام گرفت. 72

در آغاز سال 1362 ق/1943 م ترجمه‏ای از تمام مثنوی در حیدر آباد سند به شعر سندی سروده شد.مولف این اثر، که اشرف العلوم نامیده شده دین محمّد ادیب فیروز شاهی(م 1393 ق/1973 م)بزرگترین شاعر فارسی گوی و سندی گوی معاصر، می‏باشد.اشرف العلوم در 6 دفتر در همان وزن و قافیه در 1960 م.زنده و در یکی از محلاّت حیدر آباد زندگی می‏کرده است. 73

ترجمه دیگر به زبان سندی باز هم به وزن اصلی به کوشش محمّد احسن چینا انجام شده است...مجمع ادبی سند نیز دوره مجلاّت خاص کودکان، Gulphul ، را منتشر ساخته که حاوی حکایات بیشماری از مثنوی به زبان ساده سندی است. 74

چهره گشایی مثنوی:ترجمه رونمای مثنوی، از مولانا دین محمّد ادیب فیروز شاهی. ترجمه منظوم شرح چهل بیت دیباچه مثنوی است و دوبار چاپ شده است.

ترجمه منظوم اخسام مثنوی، نیز از ادیب فیروز شاهی، در ترجمه منظوم تتّمه دفتر ششم مثنوی‏[یا دفتر هفتم‏]تالیف مولانا الهی بخش کاند هلوی است که در محمود المطابع کانپور چاپ شده و ترجمه منظوم آن از مولانا دین محمّد ادیب فیروز شاهی در حیدر آباد سند منتشر گردیده است. 75

سوئدی ترجمه مثنوی به زبان سوئدی، توسطّ اکسل اریک هرملین‏ AX.E.Hermelin در چهار جلد در لوند Lund بین سالهای 1933 تا 1936 چاپ شده است. 76

عربی ترجمه المثنوی، از شیخ محمّد حسین القطیفی(زنده در 1170 ه.)ترجمه منظوم. 77

جواهر الآثارفی ترجمه مثنوی مولانا محمّد جلال الدّین البلخی الرومی.الترجمه و

التحقیق و التلخیص للحواشی العربیه و الفارسیه بقلم عبد الغریز صاحب الجواهر.تهران، دانشگاه تهران، 1336-1347 ش، 6 ج.این ترجمه منظوم است.

مثنوی جلال الدّین الرومی شاعر الصوفیه الاکبر، ترجمه و شرح و در اسه محمّد عبد السلام کفافی، صیدا، بیروت، المکتبة العرصریة، 1966 م.همچنین معدودی از قطعات مشهور مثنوی و دیوان شمس به دست عبد الوهّاب عزّام استخراج و به نام فصول من المثنوی به عربی ترجمه و در 1946 م در قاهره چاپ شده است. 78

فرانسوی فرانسه و ایتالیا از علاقه‏مندی به آثار مولانا بی‏بهره نبوده‏اند.خاور شناس فرانسوی، ک. هوار C.Huart نخستین کسی بود که مناقب العارفین افلاکی را به زبان مادری خود ترجمه کرد(پاریس 41 و 1340-37 و 1336 ق/1922-1918 م)و هر چند ترجمه او چندان قابل اعتماد نیست، امّا منظور خود را می‏رساند.

لویی ماسینیون، طّی کتاب خود راجع به عارف شهید، حلاّج(ف.309 ق/922 م)، در موارد بسیار از اشعار مولوی سود جسته است.اخیرا اوامیروویچ‏ Eva Meyerovitch شرح حال از این پیر بزرگ فراهم آورده که اساسا بر مفاهیم فلسفی آثار مولوی تأکید کرده است.او، همین اواخر فیه ما فیه مولوی را نیز ترجمه کرده است. 79 رباعیّات مولانا هم توسطّ ا.چ.شلبی‏ A.H.Tchelebi از فارسی به فرانسه ترجمه و در 1950 م در 78 صفحه در پاریس چاپ شد.همچنین هاری میریام‏ Harry Myriam اثری را تحت عنوان جلال الدّین رومی شاعر و عارف اهل سماع‏ Djelaleddine Roumi;P-ete et danseurmystique در 219 صفحه در سال 1947 در پاریس منتشر کرد.و نیز در ترجمه‏ای که از منتخب اشعار فارسی سده یازدهم تا بیستم( گنج سخن)دکتر ذبیح اللّه صفا توسطّ لازار، لسکو و هانری ماسه انجام گرفت و در 1964 در پاریس منتشر شد. صفحات 207 تا 221 آن اختصاص به مولوی دارد. 80

کشمیری مثنوی دست کم دوبار به زبان کشمیری ترجمه شده یکبار به وسیله میر سید شمس الدّین حیرت(م 1388 ه.)که ترجمه منتخب مثنوی یعنی دفتر اوّل و دوم را انجام داده و بار دیگر به وسیله عبد الاحد جان. 81 همچنین مقاله‏ای تحت عنوان«نسخه خطّی ترجمه مثنوی به زبان کشمیری»در مجّله آریانا، ج 34(1355 ش)ش 2، صص 29-36 توسطّ غ.حضرت کوشان نوشته شده است. 82

لهستانی ترجمه منظوم یکی از اشعار مولوی توسطّ میسینیسکی‏ Micisnski الهام بخش آهنگساز امروزینه لهستانی ای.زیمانوسکی‏ Szymanovskey در ساختن سمفونی«ترانه شب» قرار گرفت. 83 .

مجاری ظاهرا نخستین اثر ادبی ترجمه‏ای در مجارستان ملّخص آثار مولانا است که در 1907 م در بودا پست انتشار یافت و مترجم آن ساندور کیگل‏ S-ndor K-gl بود.در برخی مآخذ این اثر را فقط ترجمه منتخبی از مثنوی ذکر کرده‏اند. 84

نروژی قسمتهایی از مثنوی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اوّل قرن حاضر به زبان نروژی ترجمه شد. 85

هلندی ترجمه‏هایی از تک شعرهای مولانا تقریبا به هر زبان اروپایی امروزه در دسترس قرار دارد؛ترجمه‏های کامل یا مختصر مثنوی حتّی به زبان سوئدی و هلندی نیز یافته می‏شود.

اثری که به زبان هلندی انتشار یافته اثر R.Van Brakell-Buys می‏باشد که در 1952 م چاپ شده است. 86

البتّه ترجمه‏ها و تحقیقات پیرامون آثار مولانا به اینها محدود نمی‏شود و لیکن به علّت ضیق وقت و کمبود مآخذ بهمین مقدار بسنده می‏کنیم و ان شاء اللّه در مقالتی دیگر پیرامون شروح مثنوی به بخشی دیگر از مآخذ در زمینه«مولوی شناسی»اشاره خواهد شد.

پی نوشت‏ها و ماخذ (1).یادنامه مولوی، تدوین و تنظیم علی اکبر مشیر سلیمی، تهران، یونسکو، 1337، ص 119.

(2).شکوه شمس، سیری در آثار و افکار مولانا، آن ماری شیمل، ترجمه حسن لاهوتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1367، صص 538-539.

(3).جهان ایرانشناسی، شجاع الدّین شفا، کتابخانه پهلوی(سابق)، تهران، 1348، ج 1، ص 1335.

(4).شکوه شمس، ص 543.

(5).همان مآخذ، ص 543؛و نیز:جهان ایرانشناسی، ج 1، صص 580 و 590.

(6).شکوه شمس، صص 543-544؛و همچنین:جهان ایرانشناسی، ج 1، صص 327؛و نیز:مجلّه دانشکده ادبیات تهران، س 4، ش 3(1336)، ص 6.

(7).شکوه شمس، ص 544.

(8).همان، ص 546.

(9).همان، صص 547-550 به اختصار.

(10).همان، دیباچه، صص چهل چهار و چهل و پنج.

(11).جهان ایرانشناسی، ج 1، ص 467.

(12).همان، صص 469 و 506.

(13).شکوه شمس، صص 541-542 به اختصار.

(14).جهان ایرانشناسی، ج 1، ص 96.

(15).شکوه شمس، ص 543.

(16).مآخذ ترجمه‏های اردو: \*.ترجمه‏های متون فارسی به زبانهای پاکستانی، تالیف اختر راهی، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، 1365 ش، صص 6، 8، 295-296، 311 تا 315، 374، 422، 430، 431.

\*.شرح مثنوی معنوی، نگاشته شاه داعی الی اللّه شیرازی، تصحیح و پیشگفتار محمّد نذیر رانجها، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، 1363 ش، ج 1، صص 42 تا 51.

\*.شکوه شمس، صص 530-531، 694.

\*.فهرست کتب چاپی پاکستان، تالیف امداد علی صفدر[بی‏م، بی‏نا، بی‏تا]ص 309.

\*.فهرست مشترک نسخه‏های خطّی فارسی پاکستان، تالیف احمد منزوی، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، 1365، ج 7(بخش 1)، ص 247.

(17).مقدّمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی، نیکلسن، ترجمه و تحقیق اوانس اوانسیان، تهران، نشر نی، چاپ دوم(با تجدید نظر و اضافات)، 1366، ص 45؛«تاریخچه ایرانشناسی در انگلستان و آمریکای شمالی»از محسن صبا، فرهنگ ایران زمین، ج 12، ص 233 و نیز فهرست کتب چاپی پاکستان، ص 366.

(18).مقدّمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی، نیکلسن، صص 46-48 به اختضار؛و نیز:شرج مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 55، و«تاریخچه ایرانشناسی در انگلستان و...»ص 233.

(19).مقدّمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی، صص 49-50 به اختصار، و نیز:شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 55؛فهرست کتب چاپی پاکستان، ص 369.

(20).مقدّمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی، ص 44 و 50.

(21).شرح چهار تمثیل مثنوی معنوی، تالیف جواد سلماسی زاده، تبریز، دانشگاه آذر آبادگان، 1355، بخش نخست، ص 19.

(22).مقدّمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی، صص 55 و 61، و نیز:فرهنگ ایران زمین، ج 12، 233؛ شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 56؛جهان ایرانشناسی، شجاع الدّین شفا، تهران، 80

کتابخانه پهلوی(سابق)[بی‏تا]ص 32 و 93؛شرح چهار تمثیل، بخش نخست، ص 12.

(23).شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 56؛کتابنامه مولوی، گرد آورنده ماندانا صدیق بهزادی، تهران، مرکز خدمات کتابداری با همکاری فرانکلین، 1351، ص 42.

(24).شکوه شمس، ص 545.

(25).شرح چهار تمثیل، بخش نخست، ص 18.

(26).شکوه شمس، صص 544-545؛و نیز:مقدّمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی، ص 52 و 54.

(27).شرح چهار تمثیل، بخش نخست، ص 17.

(28).تاریخ ادبی ایران، ادوارد براون، ترجمه علی پاشا صالح، تهران، امیر کبیر، 1358 ج 2، ص 937.

(29).شکوه شمس، ص 545؛از سنایی تا سعدی، ادوارد براون، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، مروارید، 1351، ص 272.

(30).سیر فرهنگ ایران در بریتانیا، از ابو القاسم طاهری، تهران، انجمن آثار ملّی، 1352، ص 407؛ جهان ایران شناسی، ج 2، ص 32.

(31).مقدّمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی، ص 59.

(32).همان ماخذ، ص 61؛شرح چهار تمثیل، بخش نخست، ص 16.

(33).مقدّمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی، ص 62.

(34).همان ماخذ، ص 56.

(35).مجّله تحقیقات تاریخی، از انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی(پژوهشگاه)، س اول و دوم، ش 4 و 5، بهار و تابستان 1369، صص 288، 289، 291، 292.

(36).برای اطلاّع بیشتر از ترجمه‏های انگلیسی آثار مولانا علاوه بر مآخذ ذکر شده رک:

فهرست کتابهای انگلیسی درباره ایران، محسن صبا، چاپ تهران، 1969، ص 132 و کتابنامه مولوی، ص 41 تا 71 به طور پراکنده.

(37).شکوه شمس، ص 546.

(38).همان ماخذ، صص 521-522.

(39).ترجمه‏های متون فارسی، ص 358؛شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 54.

(40).همان مآخذ و شکوه شمس، صص 529-530.

(41).ترجمه‏های متون فارسی، ص 348-349؛فهرست مشترک نسخه‏های خطّی پاکستان، ج 1، بخش 1، ص 247.

(42).ترجمه‏های متون فارسی، ص 349؛شرح مثنوی، شاه داعی شیرازی، ص 52.

(43).شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 51.

(44).همان ماخذ، صص 51-52؛ترجمه‏های متون فارسی، ص 348.

(45).شکوه شمس، ص 529.

(46).شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 52.

(47).شکوه شمس، صص 516 و 689.

(48).مولانا از دیدگاه ترکان و ایرانیان، گرد آوری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آنکارا، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1369، ص 121؛نی نامه، تحشیه و تعلیق از استاد خلیل اللّه خلیلی، به اهتمام فقیر محمّد«خیر خواه»افغانستان، انجمن تاریخ و ادب افغانستان اکادیمی، 1352، ص 76.

(49).مولانا از دیدگاه ترکان و ایرانیان، ص 119.

(50).همان ماخذ:ص 124؛شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، صص 39 و 41.

(51).مولانا از دیدگاه ترکان و ایرانیان، صص 125-126.

(52).مقدّمه رومی و تفسیر مثنوی معنوی، ص 41؛شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 39؛ فهرست کتب چاپی پاکستان، ص 368.

(53).شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 22.

(54).شکوه شمس، صص 516-517.

(55).مولانا جلال الدّین، عبد الباقی گولپینارلی، ترجمه توفیق سجانی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1364، ص 6.

(56).شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، صص 39 تا 41؛مولانا از دیدگاه ترکان و ایرانیان، ص‏

164.

(57).شرح چهار تمثیل، بخش نخست، ص 24.

(58).جهان ایرانشناسی، ج 2، ص 32.

(59).همان ماخذ و صفحه، و نیز:مولانا جلال الدّین، ص 11.

(60).ماخذ اخیر، ص 7.

(61).جهان ایرانشناسی، ج 2، ص 32.

(62).همان ماخذ، ص 554.

(63).همان ماخذ، ص 555.

(64).مولانا جلال الدّین، ص 11.

(65).جهان ایرانشناسی، ج 2، ص 554.

(66).شکوه شمس، صص 546، 696-697.

(67).جهان ایرانشناسی، ج 2، ص 32.

(68).پیام نوین، دوره 5، ش 3، ص 48.

(69).جهان ایرانشناسی، ج 2، ص 32.

(70).همان ماخذ، ج 1، صص 1250، 1284-1285، 1297.

(71).شکوه شمس، ص 546.

(72).شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 52؛ترجمه‏های متون فارسی، ص 10

(73).شکوه شمس، صص 529 و 694؛شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 53؛ترجمه‏های متون فارسی، ص 367؛هلال، ج 19، ش 10(ش مسلسل 120)، بهمن 1350، صص 27-28.

(74).شکوه شمس، ص 694.

(75).شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 53؛ترجمه‏های متون فارسی، ص 367.

(76).شکوه شمس، صص 546 و 696؛جهان ایرانشناسی، ج 2، ص 32؛شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 57.

(77).شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 35.

(78).کتابنامه مولوی، صص 10 و 13؛شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 35-36؛تاریخ ادبی ایران، براون، ج 2، ص 935؛شکوه شمس، ص 518 و 690.

(79).شکوه شمس، صص 545-546.

(80).کتابنامه مولوی، صص 58 و 71 و نیز برای اطلاّع بیشتر رجوع شود به کتابشناسی تمدّن ایرانی در زبان فرانسه، عبد الحمید ابو الحمد و ناصر پاکدامن، تهران، دانشگاه تهران، 1972-1974، صص 285.

(81).ترجمه‏های متون فارسی، ص 7؛شرح مثنوی معنوی، شاه داعی شیرازی، ص 54.

(82).فهرست مقالات فارسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1369، ج 4، ص 40.

(83).شکوه شمس، ص 546.

(84).جهان ایرانشناسی، ج 2، 32 و 313؛راهنمای تحقیقات ایرانی، گرد آوری ایرج افشار، تهران، مرکز بررسی و معرّفی فرهنگ ایران، 1349؛ص 114.

(85).جهان ایرانشناسی، ج 2، ص 328.

(86).شکوه شمس، صص 546 و 696.

پایان مقاله